آینه

جمهوری اسلامی

جهت اطلاع

● سخنان صریح و اکید رهبر انقلاب اسلامی که دیروز در جمع مسئولین سازمان تبلیغات اسلامی که خطاب به رأس جریان انحرافی گفتند کسانی که یک دهه مسئول بودند باید پاسخگو باشند نه مدعی، مورد استقبال عموم مردم قرار گرفت. در ماه‌های اخیر، عناصر اصلی جریان انحرافی تلاش می‌کردند با زیر سؤال‌بردن قوای کشور، از پاسخگویی نسبت به عملکرد پرمسئله خود طفره بروند و برای بازگشت مجدد به قدرت زمینه‌سازی کنند که با سخنان دیروز رهبری پاسخ مناسبی دریافت کردند هرچند این احتمال وجود دارد که این افراد مثل ماجرای نافرمانی در عدم ورود به انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۶ باز هم عدم پایبندی خود به ولایت فقیه را نشان دهند.

اطلاعات

مقام‌های اپوزیسیونی!

● در اینکه قوه قضائیه هم باید پاسخگو باشد تردیدی نیست؛ اما اینکه رئیس‌جمهور قبلی حکم به برکناری یا استعفایش بدهد و یا اعلام کند که فلانی صلاحیت ندارد یا از عدالت خارج است، با اینکه می‌داند انتصاب رئیس قوه مزبور توسط رهبری صورت گرفته و اگر قرار بر عزل و نصبی باشد، باز از اختیارات رهبری است و در همان ویدئو نسبت به رهبری اظهار وفاداری می‌کند، نشانه چیست؟... انگار رهبر انقلاب با رئیس قوه تعارف دارند و با وجود علم به مشکلات مزبور، خدای ناکرده گرفتار رودربایستی شده‌اند و به اهرم فشار تبلیغاتی و رسانه‌ای برای چنین تغییری محتاج‌اند! آیا حتی ایجاد چنین شبهه‌ای وهن این منصب مهم محسوب نمی‌شود؟ سوارشدن بر موج نارضایی و گلایه‌ها و نقدهای مردم، آسان‌ترین کاری است که می‌شود برای فرار از مسئولیت یا غفلت و کم‌کاری و بی‌تفاوتی انجام داد...

جوان

دین سیاسی، سیاست دینی

● عبدالله گنجی: مقام معظم رهبری بر این موضوع صحه گذاشتند که با وجود نظام دینی و سیاست دینی، برخی در قالب «دین سیاسی» حرکت می‌کنند. در الگوی امام نه‌تنها دین و سیاست از دو مخرج و مجرای متفاوت با هم تلاقی نمی‌کنند؛ بلکه دین زایشگاه سیاست است. مهم‌ترین شاخصه رفتاری کسانی که دین سیاسی را مدنظر دارند، این است که هنگام پاسخگویی به عملکرد خویش به میان مردم می‌پرند و پشت آنان سنگر می‌گیرند تا در قالب حدود الهی پاسخگو نباشند. دینداران سیاست‌مدار فرصت‌ها را برای خود نمی‌سازند و هر فرصتی را به هر قیمت نمی‌خرند. برای مثال شجریان در فتنه ۱۳۸۸ دستش را از خودرو بیرون می‌کند و با نشان‌دادن علامت پیروزی، مرگ بر دیکتاتور می‌گوید، معتقد است ۱۴۰۰ سال است اسلام هنر را نابود کرده است، در آغوش نامحرمان قرار می‌گیرد و بالعکس. ...کسانی که دین را ابزار استمرار در قدرت می‌دانند، قیمت‌ها را در دور اول ثابت و در دور دوم (که آینده سیاسی ندارند) متغیر و شوک‌آلود می‌کنند.

شهروند

گورخواب‌های بی‌گور

● گزارش ویژه «شهروند» از گورخواب‌های نصیرآباد، هفت دی پارسال که منتشر شد، همه معادلات را به هم زد؛ معادله معتادان بی‌خانمان را که از زور سرما به گور پناه آورده بودند، معادله اهالی نصیرآباد که از دیدن این وضع ذله شده بودند و معادله مسئولان شهرداری و فرمانداری و بهزیستی نصیرآباد و شهریار که دیدن کارتن‌خواب‌ها برایشان به اندازه یک سریال تکراری، مأیوس‌کننده بود. تصاویر منتشرشده از یکی از گورخواب‌ها (پرویز) که از داخل سیاهی گور، صورت نزار و گرسنه‌اش را به روشنی روز به لنز گرد دوربین بلند کرده بود، بمبی شد و ترکید و ترکش‌هایش به میلیون‌ها نفر رسید. تصاویرش، میلیون‌ها بار در فضای مجازی چرخید و آن‌قدر دست به دست شد تا روی میز دفتر ریاست‌جمهوری نشست.

politics@sharghdaily.ir

مشاور رئیس‌جمهوری در امور اقوام و اقلیت‌ها:

حقوق شهروندی فانتزی نیست؛ مسئله ملت ایران است

یک سال از ابلاغ سند حقوق شهروندی از سوی رئیس‌جمهوری گذشت. همیشه انتظاراتی درباره حقوق شهروندان به‌ویژه اقلیت‌ها وجود داشته است؛ انتقادی که نسبت به دولت وجود دارد، این است کاری که در زمینه اقلیت‌ها صورت گرفته، به دلیل انعکاس نامناسب دیده نشده است. شما به‌عنوان فردی که رأسا در این امور مسئولیت دارید، دراین باره صحبت کنید.

ابلاغ این سند در راستای نهادینه‌کردن مسئله حقوق شهروندی کار بسیار مهمی بود؛ اما هنوز در این زمینه در اول راه هستیم؛ به این معنی که مردم هنوز به‌طور کامل با حقوق خود آشنا نیستند و نمی‌دانند چه مطالباتی و چه حقوقی دارند. دولت در اینجا به‌عنوان مدعی حقوق شهروندی ورود پیدا کرده، مسئولیت آن را پذیرفته است و از مردم خواسته این حق را از دولت مطالبه کنند. البته آقای روحانی اولین‌بار این شعار را در انتخابات سال ۹۲ دادند و در سال ۹۶ آن را بسیار پررنگ‌تر، وسیع‌تر و عمیق‌تر مطرح کردند و ایشان به‌خوبی می‌دانند پیروزی‌شان در دور دوم ریاست‌جمهوری، بیش از هرچیزی متأثر از این شعار بوده است. بخش زیادی از اقلیت‌های قومی و مذهبی نیز به آقای روحانی رأی تعیین‌کننده‌ای دادند که در پیروزی اثر مهمی داشت. رقبای ایشان هم تلاش کردند آرای این بخش را جذب کنند؛ ولی هرگز نتوانستند نظر آنها را جلب کنند. روحانی در زمینه اقوام، مذاهب و ایرانیان معتقد به سایر ادیان توحیدی، چند کار انجام داد؛ یکی اینکه نهادسازی کرد و حقوق شهروندی را مشروح، تبیین و ابلاغ کرد و دوم اینکه بخشی را برای حقوق شهروندی ایجاد کرد که کار بزرگی بود.

در دور اول ریاست‌جمهوری آقای روحانی، نهاد دستیاری متکفل این موضوع شد که ما در بخش گفتمان‌سازی خود را موفق می‌دانیم و این مسئله در جامعه و در میان اندیشمندان و نخبگان و حتی احزاب سیاسی جا افتاد. به‌طوری‌که الان مسئله حقوق شهروندی به یک گفتمان مسلط تبدیل شده است و همه در این امر رقابت می‌کنند که خود را بیشتر مدافع حقوق شهروندی معرفی کنند. تبدیل‌شدن این بحث به یک گفتمان مسلط، خود بسیار مهم و اساسی است. شما دیدید که در انتخابات ریاست‌جمهوری همه رقبای انتخاباتی تلاش می‌کردند به رأی‌دهندگان تفهیم کنند تشکل سیاسی آنها بیشتر به حقوق شهروندی توجه دارد. این نشان می‌دهد مسئله حقوق شهروندی میان جامعه و نخبگان، دیگر امری فانتزی و تشریفاتی نیست و مهم‌تر اینکه فقط مسئله خاص یک جریان سیاسی و فقط اصلاح‌طلبان نیست؛ بلکه مسئله ملت ایران است. اصولگرایان هم متوجه شدند به این گفتمان احتیاج دارند. برای همین است وقتی مسئله «سپنتا نیکنام» مطرح می‌شود، اتفاقا بیشتر ایرانیان که مسلمان هستند، از حقوق او دفاع می‌کنند. در شهر یزد نیز اکثریت مسلمان‌ها به او رأی داده‌اند و یک زرتشتی شایسته را به شورای شهر فرستاده‌اند. می‌دانید مردم شهر یزد از دیرباز به مذهبی‌بودن شهره هستند؛ اما دیدیم که در انتخابات شورای شهر، تخصص «سپنتا نیکنام» برایشان مهم بود نه دین او. مردم یزد مثل همه مردم ایران هیچ مشکلی با اقلیت‌های مذهبی ندارند.

این سرمایه بزرگی است که مردمی در درون انسجام داشته باشند که ما خوشبختانه این سرمایه را داریم. مثل همین حادثه زلزله کرمانشاه که اتفاقا بیشترین آسیب را اقلیت‌ها دیدند که هم اقلیت قومی بودند، هم مذهبی و فرقه‌ای؛ اما همه مردم کشور در این حادثه بسیج شدند و همدردی کرده و کمک‌های گوناگون خود را گسیل داشتند و مردم زلزله‌دیده را لحظه‌ای تنها نگذاشتند. قانون اساسی ما هم همین را گفته است، شخص اول و دوم مملکت و کارگزاران در سیستم حکومتی نیز همین‌گونه عمل می‌کنند؛ اما در لایه‌هایی در جامعه موانعی وجود دارد که من آن را موانع خرده‌فرهنگی و برای یک گروه خاص می‌دانم؛ گروه اندک و معدودی که خود را در جایگاه قیم مردم، همه‌کاره و ذی‌حق مطلق می‌داند. فکر و اندیشه آنها محدود و این کاهی به خاطر بدفهمی‌های دینی و حتی ضددینی است. این‌جور نیست که فقط برخی مذهبی‌ها این‌گونه انحصارطلبانه فکر کنند و حق‌مطلق‌بین باشند؛ گاهی ضددین‌ها و حتی سکولارها و لاییک‌ها و چپ کمونیستی و ناسیونالیست‌های تندی هم داریم که این‌گونه فکر می‌کنند. اینها اگر به مناصب، قدرت و رسانه دسترسی داشته باشند، سعی می‌کنند از این موقعیت برای کارشکنی استفاده کنند و برخلاف جریان عمومی جامعه حرف می‌زنند و حرکت می‌کنند. در جاهایی که خیلی احساس خطر کنند، سکوت می‌کنند اما تا فرصت پیدا کنند سنگ‌اندازی می‌کنند.

خب مردم از دولت توقع دارند که به نمایندگی از آنها با این جریانات مقابله کند.

این گروه کوچک فکری خیلی‌وقت‌ها قدرتمند است و جلوی دولت می‌ایستد. دولت آقای روحانی هم در مقابل این جریان اندک کارشکن و مسئله‌ساز مقاومت می‌کند. گاهی این جریان، به صورت خودسر و افراطی عمل می‌کند و البته ممکن است حسن‌نیت هم داشته باشند و درجات پایین‌تر این گروه‌ها اتفاقا با اعتقاد هم عمل می‌کنند اما عمل آنها چون مصلحت عمومی ندارد و مقابل قانون است، مسئله ایجاد می‌کند. نمونه‌های زیادی دراین‌باره داشته‌ایم که می‌توان مثال زد، من پدیده قتل‌های زنجیره‌ای در زمان ریاست‌جمهوری آقای خاتمی را که بحران عمیقی برای نظام و کشور ایجاد کرد، از همین صنف موضوعات می‌دانم. این گروه‌های کوچک و اقلیت سیاسی و فکری، در زمان دولت احمدی‌نژاد در اوج و قدرت قرار گرفتند و او را تا مدت‌ها همراه خود داشتند و هنوز هم معتقدم احمدی‌نژاد در کنترل این جریان فکری است.

اطرافیان نزدیک او را می‌گویید؟

بله؛ بعدها با نام «جریان انحرافی» معروف شدند. احمدی‌نژاد با شعارهای تند مثل بحث هولوکاست و سوءمدیریت خطرناکی که داشت، بزرگ‌ترین ضربه را به اقتصاد ملی زد که واقعا غیرقابل‌جبران است. این گروه افراطی در دوران آقای روحانی هم -که البته این‌بار با دولت نسبتی نداشتند، بلکه مخالف افراطی دولت بودند- به شکل دیگری ظاهر شدند و سفارت عربستان را آتش زدند. این جریان کوچک اما قانون‌شکن، دولت را برنمی‌تابند و از هر فرصت قانونی و غیرقانونی برای کارشکنی استفاده می‌کنند. چنانچه حقوق شهروندی، نهادینه، قانونمند و اجرائی شود، این گروه‌های افراطی و تندرو را به حداقل می‌رساند. باید دست آنها را از مناصب اجرائی کوتاه کرد و لزوما باید به سمت حوزه‌های نظری و نه اجرائی سوق داد. بهترین جا برای آنها مثلا مجلس است که از تریبون آنجا حرفشان را بزنند، یا روزنامه داشته باشند، آنها باید حرف خود را بزنند و اتفاقا خیلی هم خوب است که حرف بزنند، نظرات خود را بیان کنند و تخلیه شوند وگرنه خطرناک‌تر می‌شوند.

کسانی در داخل دولت مخالفت‌هایی داشتند و فشارهایی هم می‌آوردند و مانع می‌شدند تا مساعدت و کمکی به ما نشود؛ ولی خود جناب آقای روحانی و بسیاری دیگر نیز به این ضرورت اعتقاد کامل داشتند و اصرار رئیس‌جمهور محترم برای تدوین و ابلاغ حقوق شهروندی هم از همین اعتقاد ناشی می‌شود

مقصودتان این است که زیرزمینی نشوند؟

بله. نمی‌شود و نباید زبان آنها را برید و محدودشان کرد. من همواره با محاکمه یا برخوردکردن با آنها به‌خاطر حرف و نظر و عقیده‌شان، موافق نبوده و نیستم، البته اگر اقدامات خلافی و مغایر با قانون و امنیت ملی، مثل قتل‌های زنجیره‌ای و حمله به سفارت عربستان انجام دادند، باید با آنها برخورد قانونی شود، اما به خاطر تندروی در حرف نباید با آنها برخورد کرد. اگر این گروه‌ها بخواهند مانع اجرا باشند، کار درستی نیست. متأسفانه اینها اکنون در حوزه‌های مختلف دست انداخته‌اند و در بحث حقوق شهروندی هم کارشکنی می‌کنند. تجربه کاری من در حوزه‌های اطلاعاتی و قضائی، من را به این مهم رسانده که بسیاری از پرونده‌ای حقوق‌بشری که علیه جمهوری اسلامی باز شده و در داخل موجب بحران سیاسی و در خارج به ضرروزیان ما بوده به‌علت عملکرد این قبیل افراد یا جریان‌های کوچک تندرو و نفوذکرده در برخی سیستم‌های دولتی یا حکومتی بوده است. اما چون به ظاهر حسن‌نیت دارند، جزء گروهای مذهبی محسوب می‌شوند و به‌ظاهر در پوشش قانون عمل می‌کنند، متأسفانه از آنها دفاع می‌شود. کار خلاف قانون و تندروی در رفتار عمومی و اجتماعی، تحت هر نام و چارچوبی صورت بگیرد، زبان آن متوجه جمهوری اسلامی است. شما ببینید مقام معظم رهبری و رئیس‌جمهوری به خانه اقلیت‌ها و معتقدان به سایر ادیان توحیدی می‌روند و غذای آنها را می‌خورند، این بهترین پیام برای این گروه‌های افراطی است که مدعی اسلامی عمل‌کردن هستند و خود را پیرو رهبری می‌دانند، پس چرا این کارها را نمی‌کنند. اگر گروه تندرویی پیدا شد و مثلا به زرتشتی‌ها و کلیمی‌ها و فرق مسلمان ایرانی، مانند اهل حق و... اهانت کرد و فشار آورد زیان و خسارت عمل آنان را کل نظام جمهوری اسلامی باید تحمل کند. اما باز عده‌ای هستند که همیشه تلاش می‌کنند این بخش از هم‌وطنان اقلیت قومی یا دینی و مذهبی را از حقوقشان محروم کنند که مثلا در جایی استخدام نشوند یا اگر استخدام شدند جوری دیگر کارشکنی کنند و به هر نحوی فشار بیاورند. هزینه این رفتارها را جمهوری اسلامی خواهد داد. به‌نظر من نباید به این افراد تندرو و افراطی و تنگ‌نظر، کار اجرائی محول کرد، برای اینکه نرمال و معتدل نیستند.

درگذشته بحث حقوق شهروندی بحثی خیلی کلی بود و مثلا در مورد فلان اقلیت مذهبی حرف زده می‌شد، اما الان در مورد حقوق افراد حرف زده می‌شود، مثل سپنتا نیکنام و مشکلی که برای او به وجود آمد. شاید این می‌تواند به این معنی باشد که بحث حقوق شهروندی از طرف مردم درست پیگیری می‌شود، اما سؤال من این است که چرا اقدامات نظری و عملی که شما به‌عنوان دستیار ویژه رئیس‌جمهوری و دولت در مورد حقوق شهروندی انجام دادید خیلی رسانه‌ای و دیده نشده است؟

این انتقاد قطعا وارد است، دولت ضعف اطلاع‌رسانی دارد. این را همه می‌دانند و خود دولت هم می‌داند. مخالفان دولت و حتی برخی موافقان کم‌اطلاع دولت هم گاهی منصفانه قضاوت نمی‌کنند. مهم‌تر آنکه حامیان دولت هم آن‌گونه که باید، حمایت نمی‌کنند. امیدوارم در دور دوم دولت این مشکلات برطرف شود. همه، عملکرد من در مورد حقوق شهروندی را در این سال‌ها دیده‌اند و در محضر مردم اعلام می‌کنم که تلاش کرده‌ام حقوق شهروندی هیچ‌کس را نادیده نگیرم و به یک نفر هم ظلم نکرده‌ام. شاید سهوا کسی باشد که از جانب من آسیب دیده باشد، ولی در کارهای قضائی و اطلاعاتی که داشتم، مطلقا به احدی؛ چه مسلمان، چه غیرمسلمان و چه کمونیست و چه حتی مجرم، ظلم نکرده‌ام، البته در دوره احمدی‌نژاد هم که من و خیلی‌های دیگر کاملا بایکوت و به گوشه‌ای رانده شده بودیم.

پس چرا برخی افراد، اقدامات شما را در بُعد نظری و عملی بیشتر شعاری می‌بینند.

این را باید از خودشان پرسید که چرا این‌گونه فکر می‌کنند. عملکرد بنده حداقل در همین حوزه کاملا روشن است و چیز پنهانی وجود ندارد. به‌عنوان دستیار ویژه در امور اقلیت‌ها و ادیان و مذاهب و حقوق شهروندی آنان، با اندک امکانات و نیرو، به اتفاق همکارانم تلاش‌های زیادی کردم و هزینه‌هایی نیز پرداختم که همه مطلع‌اند، اما امروز می‌توانم با قاطعیت بگویم که بحث حقوق اقلیت‌ها و ادیان و مذاهب همانند سایر هم‌وطنان بر اثر این تلاش‌ها به یک گفتمان مسلط تبدیل شد و هیچ‌کس در هیچ جریان سیاسی‌ای، حداقل علنی با آن نه‌تنها مخالفتی ندارد، بلکه تلاش می‌کنند که خود را حامی حقوق این بخش از جامعه نشان دهند. آیا این کم دستاوردی است و آیا این شعار است؟ آیا ایجاد اعتماد عمومی در میان این بخش از ایرانیان و کاهش قابل‌توجه احساس تبعیض در میان این عزیزان که پیش‌تر به‌طور فزاینده‌ای وجود داشت، دستاورد نیست؟ به‌وجودآمدن این فضا که در موضوعی به نام سپنتا نیکنام، ایرانیان فارغ از مذهب و مسلک، همه ورود کرده و از حق یک ایرانی زرتشتی دفاع می‌کنند، دستاورد نیست؟ عملکرد دولت و دفاع از حقوق آنان نیز در این زمینه کاملا روشن است. نباید به موضوع، سطحی و سیاسی و احساسی نگاه کرد. باید رفت و دید که دولت تدبیر و امید، باوجود محدودیت‌ها و برخی فشارهای فرهنگی و حتی مذهبی، درباره اقلیت‌ها در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی چه‌کار کرده است؟ استفاده از برادران اهل سنت در وزارت امور خارجه و سفارت و استفاده‌کردن در سمت‌های معاون وزیر از اقلیت قومی و مذهبی و سمت‌های معاون استاندار و فرمانداری و بخشداری در شهرهای عمدتا اقلیت‌نشین و اهل سنت‌نشین را به آنها سپردن و میزان بالای آن کار کمی نبوده است یا طرح‌های اجرائی‌شده و دردست‌اجرای اقتصادی برای آن مناطق، همه ناشی از درک دولت از حقوق شهروندی این بخش از جامعه و در حد کلان، عدالت و امنیت ملی بوده است. زمانی می‌توانیم متوجه اقدامات انجام‌گرفته دولت در این حوزه شویم که بدون توجه به موانع و مشکلات و فشارها، انتظارات را حداکثری کنیم و حداکثری ببینیم، البته می‌پذیریم که این ابتدای راه است و قطعا باید کارهای بیشتری برای استیفای حقوق این بخش از جامعه انجام شود، اما به این نکته هم توجه داشته باشیم که بسیاری از مشکلات اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی جامعه کنونی عمومی است و تنها به یک قشر یا قوم یا مذهب اختصاص ندارد. دراین‌باره بعدها ان‌شاءالله بیشتر خواهم گفت.

حکمی هم که آقای رئیس‌جمهور در آستانه سالگرد ابلاغ سند حقوق شهروندی به شما دادند نشان می‌دهد که آقای روحانی هم از شما رضایت داشتند.

وقتی در دور اول ریاست‌جمهوری آقای روحانی این مسئولیت را به من پیشنهاد کردند، سمت دستیاری ویژه، نو بود و سابقه‌ای نداشت. من احساس کردم در این حوزه‌ها باید کار کنم؛ در حوزه تبلیغات و گفتمان که من دراین‌باره حرف زیاد زدم و جلسه و همایش برگزار کردم. همین، مخالفان ما را به‌شدت حساس کرد و با تحلیل بدبینانه خود می‌گفتند که این کارها دو خطر دارد؛ یکی اینکه اقوام را تحریک کند، دوم هم اینکه این کارها برای جذب اقلیت‌ها برای انتخابات دور دوم آقای روحانی انجام می‌شود. من چنین دیدگاهی نداشتم، البته در نهایت، به طور طبیعی این نتیجه را هم داشت، اما هدف من این نبود و اصل کار؛ یعنی حقوق شهروندی و ضرورت نهادینه‌کردن آن برای کشور و نظام، برایم مهم بود. کسانی که ذهن حساس و امنیتی داشتند و اقلیت‌ها و اقوام را تهدید می‌دانستند، نگران بودند که آنها تحریک شوند که حتی به شکایت هم منجر شد و خب بنده به دادگاه هم رفتم.

من شنیدم که دو بار از شما شکایت شده است.

بله. مفصل هم شکایت شد و پیگیر بودند.

راجع به جزئیات این دو شکایت صحبت می‌کنید؟

نه، تمایلی به این کار ندارم و از نظر من، اهمیتی هم ندارد؛ زیرا اصل برای من چیز دیگری بود و البته شکایت‌شان به جایی نرسید. تعداد زیادی از نمایندگان مجلس نهم از من شکایت کرده بودند؛ اما تلاش‌های آنها در عرصه قضائی و امنیتی به جایی نرسید؛ چون مقامات عالی مملکتی می‌دانستند کارهای من مفید و به صلاح امنیت ملی است. من خلاف مصالح کشور و امنیت ملی هیچ حرفی نمی‌زنم؛ زیرا تجربه و اطلاعات و مطالعات من در این حوزه، پشتوانه کاری من است. ممکن است حرف من متفاوت باشد؛ اما هدفم کاملا هم‌جهت نظام و مصالح کوتاه‌مدت و درازمدت آن است؛ اما در نهایت در حوزه بحث، نظر و گفتمانی فضای خوبی در داخل و کشور ایجاد شد. امروز کسی نیست که این را نداند که اقوام ایرانی فرصت هستند. با اینکه من در این موارد اذیت شدم؛ اما خدا را شکر می‌کنم که توانستیم این را به‌خوبی جا بیندازیم. به‌هرحال فشارها بود، حتی در مواردی از درون بدنه خود دولت هم بود؛ ولی چون من به این راه اعتقاد داشتم و آقای رئیس‌جمهور هم اعتقاد داشتند و حمایت می‌کردند و وعده آن را در رقابت‌های انتخاباتی داده بودند و به آن نیز پایبند بودند، از مخالفت‌ها خسته نشدم.

یعنی مخالفت از درون دولت آقای روحانی؟

بله. کسانی در داخل دولت مخالفت‌هایی داشتند و فشارهایی هم می‌آوردند و مانع می‌شدند تا مساعدت و کمکی به ما نشود؛ ولی خود جناب آقای روحانی و بسیاری دیگر نیز به این ضرورت اعتقاد کامل داشتند و اصرار رئیس‌جمهور محترم برای تدوین و ابلاغ حقوق شهروندی هم از همین اعتقاد ناشی می‌شود.

الان هم این فشارها هست؟

از بین نرفته؛ ولی خیلی کم شده است.

حکم شما از دستیاری ویژه به مشاورت تغییر کرده است. فرق این دو چیست؟

از نظر من هیچ فرقی ندارد. از نظر اداری هم خیلی فرقی ندارد، شاید تفاوتش در این باشد که در این دوره این‌گونه تعریف شده است که دستیار می‌تواند در هیئت دولت شرکت کند. دستیاری، بیشتر نگاه اجرائی دارد و شبه‌معاونت محسوب می‌شود. وظیفه من کمتر که نه، بلکه بیشتر هم شده است.

ادامه در صفحه ۱۵

روزنه

غلامحسین کرباسچی:

امیدواریم آقای روحانی از افعال ماضی استفاده کند

● **ایلنا:** کنگره استانی حزب کارگزاران با سخنرانی دبیرکل این حزب؛ یعنی غلامحسین کرباسچی و سعید لیلاز برگزار شد. کرباسچی در این کنگره، با اشاره به جوان‌گرایی و پرهیز از پوپولیسم گفت: این توقع وجود دارد که الگویی از سوی احزاب سراسر کشور به‌عنوان مجموعه‌ای که فعالیت سیاسی می‌کنند درباره جوان‌گرایی ارائه شود. او با اشاره به فرازی از نامه امام‌علی(ع) به امام‌حسن(ع) که در آن امیرالمؤمنین به زمان اقرار می‌کنند، گفت: مشکل اغلب مسئولان ما این است که به زمان اقرار ندارند، درحالی‌که قانون زندگی امروز بشر می‌گوید بازنشستگی ۶۰ تا ۶۵ سال به‌بعد است، اما هیچ‌کدام از مسئولان ما حاضر به توجه به این موضوع نیستند.کرباسچی با بیان اینکه معاون اول رئیس‌جمهور گفته؛ «یک مشت مدیر آویزان در دولت وجود دارد»، عنوان کرد: مسئولان نباید مثل رهبران اپوزیسیون حرف بزنند. باید مدیران ناکارآمد دولت را تغییر دهند. معتقدم جوان‌های کشور دلسوز و تواناتر از ما بوده و بهتر از ما مسائل را درک می‌کنند، چراکه نعمت دریای بیکران اطلاعاتی را در اختیار دارند که ما نداشتیم. او با اشاره به سخنرانی رئیس‌جمهور در همایش حقوق شهروندی گفت: امیدوارم روزی برسد که آقای روحانی ماهی یک‌بار سخنرانی کند و در آن افعال ماضی به کار ببرد و به‌جای اینکه بگوید نباید دانشجوی ستاره‌دار داشته باشیم، به وزیر علوم دستور دهد مشکل دانشجویان ستاره‌دار را حل کند.او گفت: انتقاد جدی من به روحانی این است که استفاده مفید از نیروهای جوان کشور در سمت‌های مدیریتی نکرده است. انتخاب تنها یک وزیر جوان، آن هم از نظر سن؛ نه فکر، به‌عنوان نمونه کافی نیست.

او با بیان اینکه پرهیز از پوپولیسم با استفاده از انسان‌های دارای فکر و اندیشه ممکن است، گفت: آقای باهنر در مصاحبه‌ای گفته: «اگر من جای احمدی‌نژاد بودم، ترجیح می‌دادم بمیرم». با شنیدن این سخنان یاد تلاش‌های او افتادم که برای شهردارشدن احمدی‌نژاد انجام می‌داد. کرباسچی افزود: آن زمان باهنر نایب‌رئیس مجلس بود و با حضور در وزارت کشور به موسوی‌لاری فشار می‌آورد که حکم احمدی‌نژاد را امضا کند. به خاطر دارم موسوی‌لاری از امضاکردن حکم امتناع می‌کرد و می‌گفت: «احمدی‌نژاد پرونده مالی دارد». چطور شما سخنان برخی سیاسیون را در حافظه خود دارید، اما برخی حمایت‌های خود را فراموش کرده‌اید.او در پایان گفت: نباید برای فردی که معتقدید در تمام جریان فتنه نقش اساسی داشته و فردی که آن زمان رئیس دولت بوده و امروز مورد نکوهش قرار می‌دهید دادگاهی تشکیل دهید و نقش هر دو را در این جریان مشخص کنید.

لیلاز: ارتباط روحانی با روشنفکران بعد از انتخابات کم شد

سعید لیلاز هم در این کنگره، گفت: همین که رئیس دولت قبل، لباس مدافع نظام را از تن به‌در کرده و لباس اپوزیسیون را به تن کرده نشان می‌دهد، آینده‌ای را بو می‌کشند که ممکن است نتوان شرایط مطلوبی را تصور کرد. او به بیان برخی از آمارها پرداخت و گفت: سرانه مصرف لبنیات کاهش پیدا کرده است و متأسفانه در سال چهلم انقلاب اسلامی، سه میلیون و ۲۰۰ هزار نفر مواد غذایی برای خوردن شام شب ندارند. بحران شبکه بانکی ساخته‌وپرداخته هشت سال دولتی است که امروز مثل جذامی‌ها با آن رفتار می‌کنند. او با اشاره به مشکل مؤسسات مالی گفت: بحث مؤسسات مالی و اعتباری این است که یک گروه در برخی نهادها، شبکه بانکی را به انحصار درآوردند و مؤسسات مالی و اعتباری را ایجاد کردند و با کاهش نرخ بانکی و افزایش نرخ تورم، شروع به جمع‌آوری صدها میلیون پول کردند و پول مردم را از دستشان درآوردند و بالا کشیدند. این عضو حزب کارگزاران ادامه داد: امروز هم این افراد از طریق مجلس و بانک مرکزی به دولت فشار می‌آورند که پول مردم را بدهند. افرادی که زمانی پول مردم را غارت کرده‌اند پشت صحنه هستند، می‌گویند پول چاپ کنید تا پول مردم را بدهید.او با تأکید بر اینکه اقتصاد ایران در حال فروپاشی نیست، گفت: اقتصاد ایران نیاز به یک جراحی عمیق دارد. ما اگر واقعیت‌ها را ببینیم، اگر واقعیت‌های عینی، اعداد و ارقام و شواهد اجتماعی را مشاهده کنیم، هنوز هم می‌توانیم از شرایط موجود دفاع کنیم. او گفت: آینده‌ای فراتر از جمهوری اسلامی برای کشور متصور نیستم و اگر به بازی بی‌ثباتی ایران کمک کنیم، بازی خطرناکی را شروع کرده‌ایم.

او افزود: بعد از پایان انتخابات سال ۹۶ دو اتفاق افتاده است؛ یکی اینکه سرعت حرکت اقتصادی کم شده و دیگری کم‌شدن ارتباط آقای روحانی با روشنفکران است. این تحولات باعث شده زمانی که دولت دست به اقدامی می‌زند، مردم و روشنفکران استقبالی نکنند. او بر لزوم کوچک‌سازی برخی نهادهای دریافت‌کننده بودجه تأکید کرد و گفت: من با بودجه برای مسائل نظامی بحثی ندارم، اما چرا بودجه را در اختیار رسانه‌هایی قرار دهیم که به دولت فحش می‌دهند. روحانی راهی جز رفتن در این مسیر ندارد، اما ما باید او را به جلو هل بدهیم و به‌جای غرزدن به او کمک کنیم. وضعیت اقتصادی من نسبت به پنج سال گذشته بهتر شده است.

جناب آقای دکتر رضا صالحی‌امیری

قائم‌مقام شهردار و معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران

با تأسف ارتحال برادرزاده همسرتان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و از خداوند رحمان برای آن مرحوم رضوان الهی و برای صاحبان مصیبت صبر و اجر آرزومندیم.

علی‌اصغر رحمان‌خلیلی، علی نجفی، عسکری‌فقیه محسن نریمان، داود کشاورزیان، انوشیروان محسنی علیرضا صفاریان، غلامرضا سلیمانی، رحیم ابوالحسنی سیدباقر سخایی، جعفر رحمان‌زاده، یداله طاهرنژاد رئیس‌زاده، عبدالله حسینی، سیدابراهیم درازگیسو سیدعلی‌اکبر طاهایی، هاشم مهیمنی